

فن آموختن

مقاله ذیل تلخیص کتابی است که بخامه «Marcel Prevost»
عضو آکادمی و نویسندهٔ پسیکولوگ فرانسه نگاشته شده است. نویسندهٔ
مزبور بسال ۱۸۶۲ متولد شده و هنوز هم در قید حیات است. پروو
در راه تربیت و اصلاح اخلاق دوشیزگان نیز زحمت تفکر و مطالعه و
نگارش را بخود روا داشته است. کتابهای معروف او عبارتست از نامه‌های زنان
«Lettres de femmes» «خزان بکزن» «L'Automne d'une femme»
دوشیزگان نیرومند «Les Vierge fortes» آقا و خانم ملک
«M. et Mme Moloch» فرشتگان نگهبان «Les Anges gardiens»
نامه‌هایی بفرانسواز «Lettres Françaises» و غیره.

هورس فلچر امریکائی میگوید خوردن غذا برای پرورش جسم است لذا
انسان میخواهد آنچه را که میخورد جزو بدن خود گرداند ولی نفوذ او در کار
تغذیه فقط از لبها شروع شده و با پائین رفتن لقمه از گلو خاتمه می‌یابد، چه عمل
هضم، که غذا را برای انسان بصورت گوشت و خون و چربی در میاورد، در میان
اسرار تاریک و مبهمی سیر میکند که از دائرهٔ نفوذ ارادهٔ ما بیرون است. تنها ما میتوانیم
پیش از فرو بردن لقمه از گلو، برای عمل هضم خدمتی انجام بدهیم: برای جویدن
لقمه آنرا مدتی در دهان خود نگه میداریم و برای آنکه عمل جویدن بخوبی انجام
بگیرد فکین و دندانها و زبان و بزاق و حتی فکر خود را هم بکار و امیداریم.
با بیان مطالب فوق هورس فلچر برای خوب جویدن سه شرط عمده
قائل شده است:

۱ - اراده: برای واداشتن دهان و دندان و فکها بجویدن لقمه لازم است
که انسان دقت خود را بکار برد چون بی اعمال اراده صرف دقت مجال است و میتوان
گفت مقصود از صرف دقت اعمال اراده میباشد.

۲ - انتظام

۳ - وقت: نباید لقمه را بفوریت بلعید بلکه باید آنرا مدتی در دهان

نگه داشته آنگاه فرو برد.

مارسل برهرو نیز فن آموختن را باقاعده فوق تطبیق کرده و سه شرط فوق را برای آموختن لازم میدانند :

- ۱ - اراده : بکار بردن همت و کوشش و میل شرط عمده آموختن میباشد.
- ۲ - انتظام : باورود فکری درمغز انسان کار آموختن تمام نمیشود ازینرو نباید افکار مختلفی را ، که با آنها برمیخوریم ، درهم و برهم یاد گرفته و بدون نظم و ترتیب ضمیمه معلومات دماغی خود سازیم .
- ۳ - زمان : مدتی لازمست تا فکر در دماغ هضم شده و جزو محسوسات آن گردد .

برای یاد گرفتن باید عزم صمیمانه بکار برد، تبلی در راه تحصیل عبارت از فقدان عزم است. شاگردانیکه در مدرسه از رفقای خود عقب می افتند دو دسته هستند : دسته ای در سایه تبلی و دسته دیگر در حالیکه سعی و کوشش بکار میبرند نمیتوانند یاد بگیرند. هر دو دسته را میتوانیم منسوب بضعف اراده کنیم . تبلی کسی است که نمیخواهد بکوشد. کسی که نمیخواهد کوشش بکار برد نمیتواند یاد بگیرد، کسی که نمیخواهد یاد بگیرد هرگز یاد نمیگیرد و ازینرو از رفقای خود عقب میماند. آنهاستیکه در حال کوشش کردن نمیتوانند یاد بگیرند کسانی هستند که بدون دقت و انتظام کوشش می کنند اینها مایل با آموختن هستند ولی اراده را، که برای رسیدن بمقصد لازم است ، بکار نمیبرند. این قبیل اشخاص خود را بلید و بی استعداد می پندارند و بلادت و کند ذهنی موهومی ایشان را بیأس و حرمان دعوت میکند و حال آنکه عدم استعداد و ذکائی که ایشان برای خود فرض کرده اند چیزی جز فقدان اراده نیست . اگر باعزم و اراده کتاب خود را باز کرده و دقت خود را معطوف به موضوع بدانند و اندک کوششی بکار بندند آنوقت می بینند که هر چه میخوانند میفهمند و میتوانند آنرا یاد بگیرند. پس چنانکه خودشان تصور میکنند خرفت و کند ذهن نیستند .

برای یاد گرفتن يك موضوع باید انسان با عزم محکمی بخود بگوید : «من اینرا فراخواهم گرفت . » و همچنین نباید بشتاب و آرزو طمع بیاد گرفتن پرداخت

بلکه باید بادقت و قناعت بیش رفت، تدریجی بودن همه کارها خاصه امر تحصیل بزرگترین شرط توفیق عامل آن میباشد. از دقت و اراده و حافظه و ادراک و غیره خواستن فعالیت، که بیشتر از استطاعت آن ملکات باشد، کار خردمندانه‌ای نیست. روزی یکساعت بادقت و اراده و انتظام کار کردن برای مبتدی، در هر عام و موضوعی کافی است. ممکن است هر روز پنج یا شش دقیقه برین مدت افزوده و مدت تحصیل و کار را بتدریج در روز بدوساعت رساند. ولی در هر حال باید دقت و اراده وجود داشته باشد. هر که در عمل این شرائط را بکار برده مطمئن باشد که از تنبلی و خرافتی خواهد درست. یکقرن پیش میشد و عده داد که یکنفر باهوش پشتکار دار و ساعی میتواند تمام سرمایه علمی بشر را فرا بگیرد. در صد سال اخیر دائره معلومات بقدری وسعت یافته که امروزه تنها معدودی از ژینهای بسیار بزرگ میتواند ادعای احاطه بدان معلومات را بکنند؛ میخواهم بگویم که تشبث اشخاصی که دارای اذهان متوسط هستند، بفرا گرفتن هر چیز یکقسم آرزوی دراز و غیر عملی است. لذا باید برای مقصود محدودی معین بکنیم تا بدانوسیله بتوانیم آنچه را که میخواهیم بخوبی یاد بگیریم.

همه میدانند که میان استعدادها مساوات برقرار نبوده و همه کس موضوعی را بیک عمق و وسعت نمی فهمند، ازینرو شکایت مردمان خرفت از بلاد و کنند هوشی خود بنظر راست جلوه مینماید. باینهمه بتجربه ثابت شده است که کسانی که با شرایط مطابقه تحصیل می پردازند بیش از آرزوی خود توفیق حاصل میکنند. آنگاه ایمان میاورند که بدانپایه که خودشان فرض کرده اند کودن نیستند، فهمیان این حقیقت تسلیم بخش مایه تشویق مهمی است: در همان وقت است که میگویند فلانی لذت تحصیل را چشیده است. همچنین از موقع شروع بتحصیل باید نتایج نیکوی مساعی منظمه را در نظر گرفت، چه اینکار تکیه گاه مهمی برای تحریک عزم و اراده میباشد، همانطوریکه صرف وقت زیاد برای فرا گرفتن چیزی کم خطای بزرگی است، همچنین میل بفرا گرفتن معلومات زیاد در مدت کم نیز گناهی است بخشش ناپذیر.

حسینقلی فیساری